

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی

سیدعلیرضا هاشمی^۱

چکیده

منظور از ادبیات شفاهی آن دسته از اشعار، قصه‌ها، حکایات، لطیفه‌ها، کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌هایی هستند که به صورت شفاهی یا سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کنند. در واقع می‌توان گفت، ادبیات شفاهی نوعی شیوه ارتباطی است که به لحاظ محتوا متعلق به دوران گذشته است.

رادیو به مثابه یک رسانه عمومی، می‌تواند در معرفی، بازتولید و اشاعه ادبیات شفاهی کشورمان نقش منحصربه‌فردی ایفا کند و به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، از موضوعات ادبیات شفاهی کمال استفاده را در برنامه‌سازی برد. در این مقاله، «چیستان» به عنوان یکی از ژانرهای ادبیات شفاهی و قابلیت‌های محتوایی آن در برنامه‌سازی واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شفاهی، چیستان، ژانر چیستان، رادیو، برنامه‌سازی

رادیویی

۱. دانشجوی دکترای فولکلور در تاجیکستان و پژوهشگر فرهنگ‌عامه

مقدمه

در عصر حاضر، رادیو و تلویزیون توانسته‌اند با فرهنگ، تعاملی خاص و کم‌نظیر پیدا کنند. این رسانه‌ها در تقویت و بازتولید عناصر فرهنگی مختلف بسیار تأثیرگذارند و نقش آنان چنان تأثیرگذار است که بنا به گفته مک کوایل «رسانه‌ها بخشی از فرهنگ» هستند یا «پیام، فرآورده‌ای فرهنگی» به‌شمار می‌رود.

در واقع یکی از شکل‌دهنده‌های اصلی فرهنگ‌عامه در دنیای امروز، وسایل ارتباط جمعی است که به انحای مختلف در زندگی روزمره ما نقش ایفا می‌کند. وسایل ارتباط جمعی چه در بعد اطلاع‌رسانی، چه تفریحی و ورزشی و چه تجاری و آگهی‌ها، توانسته‌اند بر همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ما تأثیر بگذارند. این رابطه تنگاتنگ میان رسانه‌ها و فرهنگ‌عامه سبب شده است که هر یک، منبعی تقویتی برای دیگری تلقی شود.

در این بین، رادیو که رسانه‌ای متفاوت از سایر رسانه‌هاست، با کلام، موسیقی و صدا تلاش می‌کند پیام‌های خود را با کمترین اختلال و ابهام به

مخاطب انتقال دهد. اگر چه فناوری‌های اطلاعاتی در عصر حاضر برخی ویژگی‌های رادیو همچون در دسترس بودن، ارزانی و قابلیت تحرک را تا حدود زیادی از انحصار آن خارج ساخته‌اند، اما رادیو هنوز



بسیاری از مردم را صمیمانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، محدودیت مخاطب نمی‌تواند به معنای از میدان خارج شدن رادیو باشد، زیرا بیش از سایر رسانه‌ها قابلیت حضور در زندگی روزانه مردم را داراست. با این وسیله است

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۱۹

که بدون واسطه می‌توان با مردم صحبت کرد، آیین و مناسک خاص را به راحتی برپا نمود، فعالیت‌های آموزشی را با کمترین هزینه سامان داد، عناصر فرهنگی را در جامعه اشاعه داد و از قدرت تبلیغاتی آن به تهییج افکار عمومی و هدایت مردم پرداخت. با این تفاسیر می‌توان گفت، رادیو چیزی بیش از صدای زندگی واقعی است.



از عناصر موجود در فرهنگ کشورمان می‌توان به ادبیات شفاهی که سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعد راه یافته است، اشاره کرد. یکی از عناصر این فرهنگ شفاهی، «چیستان»ها هستند که وجه سرگرم‌کنندگی آن موجب شده است از سال‌های دور و در محفل‌های شبانه خانوادگی روستاها و بخش‌های مختلف کشورمان، بویژه در شب‌های بلند زمستان، رواج داشته باشد. هرچند چیستان‌ها در عصر دیجیتال، کارکرد سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت را در بین عامه مردم از دست داده است، اما همچنان می‌توان آن را به‌عنوان یک ژانر ادبی برشمرد و با برنامه‌سازی رادیویی رابطه نوستالژیک را در مخاطبان به وجود آورد و به‌عنوان یک منبع مهم در ادبیات شفاهی فرهنگ عامیانه مردم کشورمان بازتولید رسانه‌ای کرد.



اگر رسانه رادیو بتواند اولاً از قابلیت‌های خاص و ثانیاً از قابلیت‌های عام که رسانه‌های دیگر نیز از آن بهره‌مند هستند، نهایت استفاده را بکند؛ مطمئناً جایگاه خود را در نظام نوین ارتباطات بهبود می‌بخشد. بی‌تردید لازمه این کار، شناخت درست ویژگی‌ها و همه عناصر دخیل در این رسانه یا به عبارت دیگر، پاسخگویی سنجیده و درست به زنجیره ارتباطات پنج‌قسمتی هارولد لاسول (چه کسی؟ چه می‌گوید؟ از طریق چه رسانه‌ای؟ خطاب به چه کسی؟ و با چه تأثیری؟) است. (دیفلور، ۱۳۷۸: ۳)

در این مقاله تلاش می‌شود تا حد امکان به یک پرسش از زنجیره ارتباطاتی پنج‌قسمتی لاسول درباره پیام‌های رادیویی و «محتوا» پاسخ دهیم. برای این منظور، ابتدا مختصری به ویژگی رادیو می‌پردازیم و سپس به «محتوای مورد نظر یعنی ادبیات شفاهی و به طور مشخص ژانر «چیستان» در برنامه‌سازی رادیویی پرداخته می‌شود.

رسانه رادیو و ویژگی‌های آن

رادیو به عنوان رسانه‌ای فراگیر، در اصل دستگاهی فرهنگی محسوب می‌شود که در سازوکارهای محتوایی خود، اصل خدمت عمومی و اشاعه فرهنگی را به مثابه مفهومی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مورد توجه قرار می‌دهد. عقیده بر آن است که رادیو می‌تواند نقش‌های خاصی داشته باشد که مهم‌ترین آنها نقش آموزشی و آگاهی‌دهندگی، تبلیغی، هدایت‌کنندگی و... است. این امر از طریق پخش گسترده برنامه‌های گوناگون امکان‌پذیر می‌شود و در تحقق توسعه فرهنگی تأثیرگذار است.

درباره ویژگی‌های رسانه رادیو دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است که به مواردی از آنها پرداخته می‌شود:

الف) دسترسی به رادیو و بهره‌مند شدن از آن به مراتب ساده‌تر از تلویزیون و ساده‌تر از وسایل ارتباط جمعی مکتوب است. (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

ب) رادیو احاطه‌کننده است؛ بدین معنا که هرچند توجه زیادی از شنونده نمی‌خواهد، اما چنان فضا را احاطه می‌کند که هیچ رسانه دیداری به پایش نمی‌رسد. به بیان دیگر، گوش انسان سرپوش ندارد و شنونده نمی‌تواند صدای یک رادیو را نشنود، اما شخص می‌تواند به تلویزیونی که روشن است نگاه نکند. نتیجه آن است که آن‌گونه که امکان «کانالیزه کردن تماشا» وجود دارد، در صدا چنین امکانی نیست. (فارکند، ۱۳۸۱: ۵۴)

ج) رادیو تخیل‌برانگیز است. رادیو چون نیاز کمی به توجه مستقیم دارد و از نظر آزادگذاری تصورات مخاطب، باز است، زمینه‌ای برای پرورش‌دهندگی رؤیای بیداری و خیالپردازی فرد، تلقی می‌شود (همان: ۵۵)؛ یعنی «رادیو تخیل انتزاعی را برمی‌انگیزد و مخاطب رادیو می‌تواند با تخیل خود، به تصویرگری آنچه می‌شنود، پردازد.» (کازنو، ۱۳۶۴: ۴۷)

د) رادیو از نظر سرعت انتشار، گستره انتشار و مداومت آن، در ردیف رسانه‌های طراز اول است. انتقال سریع آموزش و پیام به مخاطبان یکی از نقاط قوت رادیوست.

ه) رادیو، نیاز به توجه مستقیم ندارد و توجه زیادی را از مخاطب طلب نمی‌کند و انسان، ضمن فعالیت‌های دیگر و هنگام کارکردن یا غذاخوردن یا رانندگی و ... نیز می‌تواند از برنامه‌های رادیو استفاده کند. البته این موضوع می‌تواند هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف تلقی شود.

و) رادیو رسانه‌ای شنیداری است؛ بدین معنا که نمی‌شود پیام‌های آن را دید و پیام‌های آن، تنها شامل صدا و سکوت است. (کرایسل، ۱۳۸۱:۱)

باید اشاره کرد که یک برنامه رادیویی خوب و تأثیرگذار شاید به مراتب، سخت‌تر از یک برنامه تلویزیونی باشد؛ زیرا در تلویزیون تصاویر می‌توانند به سرعت به بیننده کمک کنند تا آنچه را که در یک فیلم سینمایی یا سریال تلویزیونی قابل مشاهده نیستند، به سرعت در ذهن خود بازسازی کنند، اما در رادیو این کار به سختی صورت می‌گیرد یا در صورت امکان، با تأخیری بسیار بیشتر از تلویزیون می‌توان مخاطب را با گذشته داستان و واقعه آشنا کرد. (خجسته، ۱۳۸۴:۴)

رادیو و ادبیات شفاهی

میراث فرهنگی کشور پهناور ایران، آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن غنی مردمانی است که در طول قرن‌ها، در حفظ آداب و رسوم، زبان و ادبیات، ادبیات شفاهی و به طور کلی فرهنگ مادی و معنوی و هر چیزی که از نیاکان ما برجای مانده است، کوشیده‌اند.

رسانه‌های هر کشوری، در معرفی این میراث غنی فرهنگی نقشی مهم و اساسی ایفا می‌کنند. بر اساس تقسیم‌بندی مک‌لوهان، رادیو جزو رسانه‌های

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۲۳

گرم محسوب می‌شود و رسانه‌ای است که تنها یکی از حواس پنج‌گانه مخاطب را در نهایت تکامل و قدرت آن به کار می‌گیرد (رشیدپور، ۱۳۵۴: ۱۰۷)؛ با وجود این، نقشی بسزا در جذب مخاطبان و معرفی این میراث غنی به مخاطبان دارد. شیوه‌های معرفی تمامی جاذبه‌های فرهنگی و میراث ماندگار کشور پهناور ایران، کاری بس خطیر است و رادیو با بهره‌گیری از شیوه‌ها و قالب‌های برنامه‌سازی، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند در معرفی جلوه‌ها و میراث فرهنگی به جلب و جذب مخاطبان عام و خاص بپردازد.

ادبیات شفاهی جزئی از میراث گذشتگان ماست و همان‌طور که معلوم است، سینه به سینه و نسل به نسل به ما منتقل شده است. امروزه یکی از جلوه‌های این ادبیات شفاهی را در «چیستان»‌ها می‌توان یافت. اگر کمی به گذشته‌های دور برگردیم، شیوه زندگی مردم را ساده و معیشت آنها را مبتنی بر کشاورزی و دام‌پروری می‌یابیم. از آنجا که در گذشته استفاده از فرهنگ مکتوب میان مردم محدود بود، ادبیات شفاهی سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می‌شد. آن زمان مردم مناطق مختلف خسته از کار روزانه، اوقات فراغت خود را با شب‌نشینی‌هایی که نقل مجلس آنها یا «شب‌چره»‌شان، قصه‌ها و روایت‌ها و بازی‌ها و چیستان‌ها بود، سپری می‌کردند. از این رو پرسش از چیستی‌های هستی، لطف و حال دیگری داشت، به طوری که برای نوباوگان، آموزه‌ای تعلیمی و برای بزرگ‌ترها، آشنایی با رمز و راز هستی و چیستی‌هایش داشت.

سال‌های سال مردم روستایی، شب‌های بلند و طولانی زمستان را پای کرسی با بیان و انتقال فرهنگ شفاهی پشت‌سر گذاشته‌اند. خوشبختانه در بایگانی رادیو و همچنین اسناد موجود در «گنجینه» واحد فرهنگ مردم مرکز

تحقیقات چیستان‌های مختلفی از سراسر کشور موجود است که کاربرد چیستان‌ها را در زندگی روزمره و اوقات فراغت مردم بیان می‌کند. ناگفته نماند، چیستان‌ها که زمانی آموزه‌ی تعلیمی برای نوباوگان و موضوعی برای شب‌نشینی خانواده‌ها و محفل قهوه‌خانه‌ها در شب‌های بلند زمستان بودند، در حال حاضر موضوعی بیگانه به شمار می‌آیند و جای خود را به پیامک‌های تلفن همراه، موسیقی، عکس، فیلم یا گفتگوهای روزمره داده‌اند که از آن به «فرهنگ گلایه» یاد می‌شود. به عبارتی چیستان‌ها را می‌توان «مقبول دیروز و مغفول امروز» دانست که کاربردهای خود را در خانواده و میهمانی‌ها و شب‌نشینی‌ها از دست داده است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲). با این حال، رسانه رادیو با استفاده از قابلیت‌های خاص خود و با توجه به شیوه‌های برنامه‌سازی می‌تواند به این ژانر ادبی بپردازد.

موضوع «چیستان» و قالب‌های مختلف برنامه‌سازی رادیویی

ساختار^۱ یک برنامه رادیویی در موضوع «چیستان» را می‌توان با فرم یا قالب‌های مختلفی ارائه داد. در اینجا به تفصیل برای هر یک از قالب‌های موجود در ساختار ساده یا ترکیبی^۲ مباحثی از این ژانر ادبیات شفاهی به همراه نمونه‌هایی از چیستان‌ها آورده می‌شود:

۱. شکل نهایی ساخت یک برنامه رادیویی است که از یک یا چند فرم یا قالب تشکیل می‌شود.

(صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷)

۲. ساختارهای ساده، ساختارهایی هستند که از یک قالب رادیویی تشکیل شده باشند؛ مثل میزگرد، سخنرانی و کارشناسی. ساختارهای ترکیبی نیز ساختارهایی هستند که بیش از دو قالب رادیویی داشته باشند که خود به دو نوع ترکیبی نمایشی و ترکیبی غیرنمایشی تقسیم می‌شوند. (همان: ۲۸)

الف) قالب گفتاری

در این قالب، برنامه رادیویی با حضور یک یا دو مجری اجرا می‌شود و در آن مباحث مربوط به ادبیات شفاهی، چیستان، گوناگونی چیستان‌ها و نمونه‌های آن از اقصی نقاط کشور بیان می‌گردد. برای مثال اگر فرض کنیم موضوع برنامه در خصوص چیستان در تاجیکستان باشد، مطالب زیر از سوی مجریان بیان می‌شود:



مجری ۱: در فرهنگ تاجیکستان اصطلاح «چیستان» اصلاً از عبارت «چیست آن» اخذ شده است و معنی آن تصویر مجازی علامت و نشانه‌های گوناگون اشیا و حوادث زندگی است. سؤال و جواب، عبارت یک چیستان را تشکیل می‌دهد. در قسمت سؤال، صورت مجازی اشیا و حوادث توصیف می‌شوند و در قسمت جواب، معنی اصلی آنها افاده می‌یابند. (صوفی‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۱)

مجری ۲: براساس نوشته یکی از نگارندگان فرهنگ تاجیک اصطلاح «چیستان» در بعضی موضع‌های تاجیک‌نشین به همین شکل معلوم باشد، ولی در بعضی موضع‌های دیگر با عبارات و مفاهیم گوناگون انتشار یافته است. چنانچه در بین تاجیکان خجند و سمرقند به شکل «مَتَل»، «مَتَلِ می‌یافتگی»، در

بخارا به شکل «شگ»، «شگِ می‌یافتگی» و در بین تاجیکان موضع‌های کولاب «چیستان»، غَرم و درواز - «چیستون»، حصار - «چیستان»، «یافتَنک» و در بدخشان - «عَوَسْتَنک» و غیره شهرت دارد. (همان: ۴۱)

مجری ۱: این نویسنده تاجیک می‌نویسد: «پراکندگی حیات فیودالی، از هم جدا زندگی کردن مردم تاجیک در گذشته، امکانیت نمی‌داد که اصطلاح «چیستان» در همه موضع‌ها یک خیل انتشار یابد. مردم تاجیک «شگ» و «مَتَل» را بیشتر به معنی «افسانه» استفاده می‌برد و از این فهمیدن ممکن است که آدامان خصوصیت خاص «چیستان» را نفهمیده، «شگ و مَتَل» را نیز «چیستان» نامیده‌اند». (همان)

و به همین روال همراه با موسیقی فاصله مبحث مربوط به چیستان در تاجیکستان از سوی مجریان بیان می‌شود.

ب) قالب مصاحبه

در قالب مصاحبه^۱ رادیویی هنگامی که موضوع برنامه «چیستان» باشد، کارشناس مربوط که در زمینه ادبیات فارسی یا فرهنگ مردم تبحر دارد، به پرسش مجری پاسخ می‌گوید:

مجری: شما به عنوان کارشناس فرهنگ مردم جایگاه چیستان‌ها در طرح موضوعات دینی را چگونه تفسیر می‌کنید و آیا نمونه‌هایی برای آن می‌توانید ذکر کنید؟

کارشناس رادیویی فرهنگ مردم: بررسی چیستان‌ها در ادبیات شفاهی و حجم آنها در موضوعات مختلف، نشان از غنای فرهنگ مردم کشورمان دارد؛ به طوری که برخی از این چیستان‌ها حتی در موضوعات دینی نیز موضوعیت

۱. مصاحبه گونه‌ای از پیام رادیویی است که در آن، کارشناس به پرسش‌های طرح شده پاسخ می‌گوید. (صادقی، ۱۳۸۶: ۵۴)

چيستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۲۷

یافته است و پاسخ آنها یکی از مفاهیم حوزه دین یا اعمال عبادی را شامل می‌شود. «نماز» از جمله موضوعاتی است که با کنکاش در چيستان‌های فرهنگ‌مردم می‌توان مواردی را یافت که مضمون جمله یا ابیات چيستان، به طور مستقیم به فریضه عبادی نماز اشاره دارد و پاسخ چيستان نیز مستقیماً به واژه «نماز» دلالت می‌کند.

باید اشاره کرد، آنچه زیبایی و دلنشین بودن چيستان‌های مربوط به «نماز» را دوچندان می‌کند؛ تعابیر، استعارات و استفاده از صنایع بدیع ادبی در پرسش چيستان‌هاست که مخاطب از پس این جملات و ابیات شیرین، در نهایت به پاسخ «نماز» می‌رسد، مثل:

«چهار طاق، چهار باغ، هفت ایوان، دو در است

هر کس این معنی نداند، از خدا بی‌خبر است»

پیداست که در این چيستان، رکعت‌های نمازهای یومیه، با تأکید بر نماز صبح بیان می‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۲)

ج) قالب مسابقه

یکی از گونه‌های برنامه‌سازی رادیویی، قالب مسابقه^۱ است که در صورت اجرای درست و موضوع مناسب، برای مخاطب جذاب خواهد بود و شنوندگان را به گوش دادن، هوش‌آزمایی و حتی مشارکت در برنامه ترغیب خواهد کرد. موضوع چيستان با توجه به پرسشی بودن عبارت چيستان برای این قالب برنامه‌سازی (حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای) بسیار مناسب است؛ برای نمونه هشت چيستان زیر که پاسخ همه آنها «نقطه» است:

۱. گونه‌ای از پیام رادیویی است که در آن بر اساس پرسش و پاسخ، ضمن ایجاد فضای رقابتی، اطلاعات و میزان هوش و سرعت عمل شرکت‌کنندگان ارزیابی می‌شود. مسابقه رادیویی در انواع حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای صورت می‌گیرد. (صادقی، ۱۳۸۶: ۵۳)

۱. میره بالا خدا می شه، میره پایین جدا می شه (رضایی، اصفهان، ۱۳۷۰)
۲. این چیست که من دارم و عالم ندارد، شام دارد و سحر ندارد (خزروان، اصفهان، ۱۳۶۳)
۳. آن چیست که اگر پایین باشد جداست و اگر بالا باشد خداست (علی پور، بوشهر، ۱۳۶۳)
۴. چیستم من در زمستانم چهار هشت در پاییز و یک اندر بهار
چهار حرفم را به ابجد برشمار تا که گردد یکصد و شصت و چهار
(ملاعالی، لارستان، ۱۳۶۳)
۵. یک معما از تو پرسم ای حکیم نکته دان
سه به دنیا، اندر عالم هیچ و دو اندر جهان (توکلی، خمین، ۱۳۶۳)
۶. صد ندارد، لیک دارد پنج بیست
زن دو تا دارد ولی در مرد نیست
نیست در مادر ولی در بچه هست
تو دو تا داری ولی در من یکیست (زرتابی، نجف آباد، ۱۳۶۸)
۷. آن چیست که تولد دارد، اما مرگ ندارد (میری پور، تهران، ۱۳۸۵)

د) قالب کارشناسی

قالب کارشناسی^۱ از جمله قالب‌های مهم رادیویی است که در آن یک موضوع خاص از سوی کارشناس تحلیل می‌شود. در ژانر چیستان علاوه بر بحث نظری و تاریخچه‌ای آن که به ادبیات شفاهی مربوط می‌شود، عبارت‌های تشکیل‌دهنده چیستان نیز قابل شرح‌اند؛ چرا که مضمون هر چیستان برآمده از زندگی مردم است و طی نسل‌ها سینه به سینه منتقل شده است و در نتیجه

۱. گونه‌ای از پیام رادیویی است که در آن کارشناس یا مطلع، به تشریح و تحلیل موضوعی خاص می‌پردازد. (رضایی، ۱۳۸۶: ۵۴)

چستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۲۹

تفسیر آن از سوی کارشناس موجب آشکار شدن زوایای زندگی‌عامه از دل چستان‌ها می‌شود. برای نمونه، در زیر سه گزاره از چستان‌ها که توسط کارشناس ادبیات یا فرهنگ‌مردم می‌تواند به تفسیر آنها پردازد، توصیف می‌شود:

گزاره یک

«بگو آن چيست از انواع بنشن

که فسفر دارد و سولفور و آهن

گهی در آس و گاهی در برنج است

گهی تنها و با یک ذره روغن»

آن چیزی که در همه چستان‌های فارسی به صورت یک خصلت مشترک وجود دارد، حقیقی بودن آنهاست. شما هیچ چستانی را نمی‌یابید که در آن «رؤیا» و «خیال» نقش اساسی داشته باشد؛ یعنی هر چستان به صورت یک ارگانیسم ساده که اغلب نیز کاربرد ادبی پیدا کرده است، شکل می‌گیرد و هدف اصلی آن ادراک و آگاهی است؛ آگاهی از یک واقعیت و ادراک یک تفکر و تصور حقیقی؛ بنابراین تنها چیزی که در بیشتر چستان‌ها تغییر اساسی پیدا می‌کند، درونمایه آنهاست و کمتر این تغییرات در زاویه دید و شیوه و شکل نقل و بیان چستان‌ها نمایان می‌شود و از این‌روست که ما تعداد چستان‌های منثور فارسی را کمتر از منظوم آنها می‌بینیم. البته، چستان‌های منظوم فارسی، خود بخش عمده‌ای از چستان‌ها را تشکیل می‌دهند و ویژگی‌ها و مختصات خود را دارند.

نخستین گام در درک یک چستان آن است که معنی واژگان، اصطلاحات و ترکیبات به کار رفته در ساختار آن را به درستی بدانیم و با پیوندهای معنایی عناصر به هم بافته شده آشنا باشیم. واژه «بنشن» در این چستان که نام حبوبات در معنای عام؛ یعنی نخود، ماش، لوبیا، عدس و ... است، تکلیف ما را

معلوم می‌کند. حالا باید از میان جنس‌ها و انواع این گیاهان، نمونه مورد نظر چیستان‌پرداز را بیابیم.

ابتدا به تشخیص کاربرد هر یک از این حبوبات در برنامه غذایی می‌پردازیم و هر یک را از نظر تغذیه انسانی با دیگری مقایسه می‌کنیم و با توجه به واژه‌های «آش» و «برنج» به نتایجی می‌رسیم که مصرع آخر، وجود واژه «عدس» را به عنوان عنصر اصلی هدف چیستان، برای ما محرز می‌گرداند و ما را به یاد نوعی غذای بومی و سنتی کشورمان، یعنی عدسی می‌اندازد. سپس این بیت مناسب ناصر خسرو قبادیانی:

«اگر خواب نگیرد ز بهر چاشت شبی

که در تنور نهدت، هریسه با عدسی»

و دو دانه تسبیحی که مانند عدس، دانه‌های دیگر تسبیح را به سه قسمت می‌کند و خود دانه «عدس» که از نظر خوراکی، سرد و قابض بوده است و خون را غلیظ می‌کند، برای معده و عصب، مفید است و در برنامه غذایی مردم ما با گوشت برابر است.

هر چند روان‌شناسان و کارشناسان علم تغذیه و بهداشت بر این باورند که عدس، خواب و آرامش خاطر آدمیان را آشفته می‌کند؛ وجود عناصر مهم معدنی مانند: فسفر، آهن، کلسیم و ویتامین «آ» و «ث»، اهمیت این حبّه مقوی را در خوراک روزانه ما بیشتر به اثبات می‌رساند.

برای نمونه در شرح زندگانی ابوالعلائی معزّی خوانده‌ایم که او بیش از ۸۰ سال عمر کرد و در طول زندگانی‌اش به جای گوشت حیوانی، تنها عدس می‌خورده و اذیت و آزار حیوانات را حرام می‌دانسته است. این را هم گفته‌اند که «اگر در خوردن عدس، زیاده‌روی شود، خطر ابتلا به مرض قولنج، استسقاء و کوری» پیش می‌آید. آیا کوری ابوالعلائی معزّی از این بابت بوده است؟ خدا می‌داند.

چستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۳۱

ببینید، چگونه گزارنده چستان، همه این معانی و معلومات را در چهار مصراع موزون و مقفا گردآورده و خرد جمعی ما را برای گرامیداشت این دانه خوراکی، «گوشت نباتی»، برانگیخته است؛ از این روست که ما چیرگی عقل را بر احساس عامه در چستان‌های فارسی گسترده می‌بینیم. به همین چستان نگاه کنید؛ در ظاهر نوعی یادآوری ساده و معمولی زندگانی و معنی یک دانه با ارزش غذایی است، ولی پشت این عناصری که چستان بر پایه آن استوار شده، حقیقتی وجود دارد؛ حقیقتی که آموزش می‌دهد و یک سنت خوراکی و یک آیین مردمی و بومی را به ثبت می‌رساند. آری، بعضی چستان‌ها سرگرم می‌کنند و برای ما لذتبخش و شادی‌آور هستند، ولی در این سرگرمی و شادمانی، کوششی هم برای یادآوری، آگاهی و اقدام صورت می‌گیرد؛ که تأییدی بر معقول بودن چستان‌های فارسی و تأکیدی بر فراموش نکردن حیات مادی و آفرینش الهی مظاهر زندگانی است.

چستان‌های فارسی که در ساختی موجز و هیأتی ساده ارائه شده‌اند، خصلتی خلّاقه و آفرینشگر دارند و از ادبیات شفاهی مردم ما سرچشمه گرفته‌اند و سینه به سینه نقل شده و خاطره‌های زندگانی انسانی مردم ما را نگاه داشته‌اند.

گزاره دو

«شاهی، سرراهی؛ کلاهش مخمل و تاجش طلایی»

دیرپایی و فراگیری چستان‌های فارسی، ریشه در نگرش‌های اجتماعی و باورهای مردمی و قومی ملت ما نسبت به پدیده‌های زندگانی‌شان داشته است. به بیانی دیگر، هر چستان به عنوان یک شناسنامه، رفتار روحی و بازتاب روانی مردم ما را بازنموده و نمونه‌ای از آرزوها، اندیشه‌ها و خواسته‌های آنان بوده است.

ساختمان و شکل بیانی چیستان‌های فارسی، پیرو سازگاری گزاره‌ها و موضوع آنهاست و عناصر وصفی‌شان، همواره در پیوند با آنها بروز کرده‌اند. ترکیب‌های کلامی «کلاه مخمل» و «تاج طلایی» که در حقیقت عناصر وصفی چیستان بالا هستند، با بخش نخستین ساخت چیستان، شاهی، سرراهی در یک گستره سازگار، ارائه شده و روی هم، گزاره‌ای کلی از موضوع چیستان و نتیجه آن، «گل بابونه»، را به دست داده‌اند.

«بابونه» بر وزن «وارونه»، نام گیاهی است که به صورت خودرو در کنار جوی‌ها، نهرها، کشتزارها و حتی در باغچه‌ها و پشت بام‌های گلی خانه‌ها می‌روید و به عنوان نوعی سبزی، از عهد باستان تاکنون مصرف عام داشته و همیشه به جای «شِوِت»، با لهجه کازرونی «شِوِد»، در پلو، آش، کوفته و انواع خورش‌ها به کار می‌رفته است و هنوز که هنوز است «بابونه پلو»، یکی از خوراکی‌های معروف کازرونی‌هاست.

گلبرگ‌های گیاه بابونه، سفید و نهنج آن زرد رنگ است و از اواخر اسفندماه تا مهرماه، زیبایی خاصی به سبزی‌ها و علف‌های دشت‌ها و چمنزارها می‌بخشد و در بیشتر شهرهای جنوبی کشور ما (شیراز و کازرون) در همین ایام مردم گل‌های بابونه را جمع‌آوری می‌کنند و پس از خشک کردن، به صورت دم‌کرده، مانند چای می‌نوشند و بنابر اعتقاد عامه، این جوشانده، مسکن دردها و تقویت‌کننده زخم‌های مخاط معده است. حکیمان قدیم ما نیز از برگ بابونه به عنوان ماده هضم‌کننده غذا و نیروبخش اعصاب و روان و از میان‌برنده آبریزش‌های بینی استفاده می‌کرده‌اند. هنوز مردم روستاها و خانواده‌های قدیمی با جوشانده گل بابونه، موهای خود را رنگ می‌کنند و بر زیبایی و شفافیت آنها می‌افزایند. گزارش‌های پزشکی و دارویی، حاکی است که گل بابونه «تنگی نفس» را شفا می‌دهد، یرقان را درمان می‌کند و برای درد قفسه سینه و جگر مفید است و کیسه صفرا را باز می‌کند و در دفع عفونت سودا و بلغم و

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۳۳

تب‌های مزمن و قولنج روده، بسیار مؤثر است. هنوز هم در روستاهای کازرون و دیگر شهرهای جنوبی کشورمان، روغن «گل بابونه» برای فرونشاندن ورم زخم‌های چرکی و آبکی مصرف عام دارد. گونه وحشی بابونه (بابونه گاوی) نیز از دیرباز به صورت «جوشانده» برای درمان زکام توأم با تب، دل دردها و تشنجات عصبی در میان مردم شهرهای قدیمی سرزمین ما متداول بوده است.

ولی بارزترین ویژگی چیستان بالا، وزن عامیانه و کلام دو آهنگی آن است که از نظر صوت‌ها و افاعیل و پاره‌های نامتساوی با معیارهای شعر عامیانه کهن ما و ویژگی‌های آنها همخوانی دارد.

وزن چیستان بالا و آهنگ کلی ساختار زبانی آن، بسیار دلپسند و آرامبخش است و بیشتر با لالایی‌ها و گویش‌های محلی که شمار آنها هم زیاد است، هموزن است. وزن دو مصراع بالا در یکی از ازاخیف^۱ بحر هزج (اخرب) و «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است که در شعرهای عامیانه فارسی و بیشتر چیستان‌ها و معماها، بسیار کاربرد داشته است:

۱. خفیف، مشاکل، متقارب و متدارک. از محور فوق پنج بحر کامل، وافر، مدید، طویل و بسیط مخصوص زبان عربی است و شعرای فارسی زبان فقط به صورت تفنن مهارت‌آزمایی کرده‌اند. پس اشعار زبان فارسی در چهارده بحر دیگر سروده شده‌اند. این بحر چهارده‌گانه نیز ممکن است به صورت سالم یا مزاحف به کار رفته باشند و غیر از رجز و هزج و رمل که هم سالم و هم ازاخیف آنها برای فارسی‌زبانان خوشایند است در مورد سایر بحر انواع سالم چندان کاربرد نداشته بلکه ازاخیفشان گوارای طبع فارسی‌زبانان است.

در بحر هزج: هر مصراع این بحر تکرار چهار یا سه بار مفاعیلن است، مانند بیت زیر:

مرا درمن (مفاعیلن)، دل جانان (مفاعیلن)، چه امن و عی (مفاعیلن)، ش چون هر دم (مفاعیلن)

جرس فریا (مفاعیلن)، د می دارد (مفاعیلن)، که بریندی (مفاعیلن) د محمل‌ها (مفاعیلن)

آهنگ هر مصراع در این بحر به صورت زیر است: تنن تن تن / تنن تن تن / تنن تن تن / تنن تن تن / مقبول‌ترین مزاحفات این بحر ممکن است اکثراً به صورت ترکیبی از سه یا چهاربار مخلوطی از مفاعیلن، مفاعیلن، مفعول، مفاعیل، فعولن یا فعولان باشند.

برای اطلاع بیشتر نک: وبلاگ وایقان به نشانی اینترنتی:

<http://vayghan-shabestar.blogfa.com>

شاهی، سر راهی = مفعول فعولن / کلاهش مخمل و تاجش طلایی =
مفاعیلن مفاعیلن فعولن

همان‌گونه که می‌بینیم، امتداد مصوّت‌ها در ساختار زبانی چیستان بالا به درستی ثابت نیست و امتداد هجاها نیز در آن با دیگر گونه‌های شعر غیرعامیانه مطابقت ندارد و از همین رو بیشتر پژوهشگران بر «هجایی» بودن این گونه وزن‌ها تأکید کرده‌اند. یک هجای کوتاه در پاره اوّل چیستان بالا حذف شده و به جای «مفعول»، «مفاعیلن» آمده که این گونه حذف، اضافات و ابدال‌ها در شعرهای عامیانه قدیم ما معمول بوده است؛ مانند شعر عامیانه زیر که به گفته علامه قزوینی، قدیمی‌ترین وزن عامیانه را دارد:

آب است و نیبذ است = مفعول فعولن

سمیه رو سپید است = مفاعیلن فعولن

البته، این گونه تفاوت و تغییر در تعداد هجاها و اصوات و وزن گفتار عامیانه، بیشتر از آهنگ متفاوت و تغییر موسیقی کلام گوینده آن ناشی می‌شود و علت آن هم در اجرای شفاهی بیشتر چیستان‌ها بوده است و همان‌گونه که می‌بینیم، چیرگی موسیقی بر معنای کلام چیستان‌پرداز، در چیستان بالا به درستی آشکار است. اینها همه از ویژگی‌های ادب بومی و شعرهای مردمی سرزمین ما حکایت می‌کند. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چیستان‌پردازان نیز هوشیارانه از مواهب الهی و محیط جغرافیایی خود برای توانمند و پدیده‌تر کردن فرهنگ و دانش و میراث معنوی عامه کشورمان، سود جسته و در اعصار دور و نزدیک به نیازهای روحی و خواسته‌های قلبی مردم ما پاسخ داده‌اند.

گزاره سه

برگ سبز چمنی

ورق ورق می‌شکنی

چستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۳۵

چستان‌های فارسی، همانند دیگر گونه‌های ادبی زبان ما، هیچ‌یک بدون فلسفه و بی‌فایده و بی‌مورد نبوده‌اند و در هر چستان، نوعی احساس و فکر، بهانه ارائه بینش و دانش مردمی و خاص شده است و خواننده یا شنونده می‌بایست تنها با رمزها، کنایه‌ها و اشاره‌هایی که طرح و پیکره چستان را آرایش داده‌اند، آشنا باشد؛ رمزها و اشاره‌هایی که هر یک بیانگر پندارهای قومی و باورهای زندگانی بومی و نگرش فرهنگی قشری از جامعه انسانی ماست؛ از این رو، فهمیدن معنای ویژه هر نشانه و رمز در این زمینه کاری بس بااهمیت است و راهنما و ساختار غیرتقابلی و دیداری چستان بالا، تأییدی بر این گونه ارزیابی و اهمیت شناختی است.

ترکیب ساختی چستان بالا از دو جمله ساده درست شده است که در جمله نخست، توصیفی از موضوع چستان ارائه شده و در جمله دوم که در حقیقت خبر یا گزاره آن است، آن وصف، گسترده، معنی و تشریح شده است و در واقع می‌تواند به عنوان عنصرِ وصفیِ مکملی به حساب آید که گونه‌ای سازگاری در ساختمان و ساخت بیانی چستان ایجاد کرده است. عنصرهای وصفی «ورق ورق» و «برگ سبز» در پیوند با فعل «می‌شکنی» نوعی ابزار زبانی خیال‌انگیز به وجود آورده است که نتیجه چستان را در تصوّر ما به صورت طرحی ابتدایی، ترسیم می‌کند؛ طرحی که می‌تواند یک گیاه و یک سبزی ورق ورق شده باشد؛ به نام «کاهو»؛ همان گیاه خوردنی که گیاه‌شناسان آن را جزو خانواده کاسنی‌ها می‌دانند. کاهو در زبان مازندرانی‌ها و گیلک‌ها، «کھو» و به لهجه کازرونی، «با صنم کوه» نامیده می‌شود. واژه «کاهو» در عهد باستان به معنای «تابوت» به کار می‌رفته است:

ببردند بسیار کاهو و تخت نهادند بر تخت، دیبا و رخت

(فردوسی)

کاهو، گونه‌های متعددی دارد و معروف‌ترین آن که برگ‌های گرد و در هم پیچیده دارد و در بازارهای تره‌بار کشور ما فراوان است، «کاهوپیچ» نامیده می‌شود. انواع مختلف این سبزی در میان مردم ما به صورت سالاد یا جداگانه با «سرکه، شیره» و «سکنجبین» در میان وعده‌های خوراک روزانه مصرف می‌شود. آنچه این سبزی خوراکی را در میان مردم ما بااهمیت کرده است، وجود ویتامین‌های «آ»، «ب» و «ث» به مقدار کافی و عناصر معدنی و املاح مغذی مانند ید، کلسیم، فسفر، مواد قندی و چربی در تمام قسمت‌های آن است: به طوری که برگ، ساقه، ریشه، شیرابه و تخم کاهو، همه مصرف خوراکی و دارویی دارند. پزشکان و حکیمان کهن ما نیز کاهو را برای رفع تشنگی و درمان بیماری‌های صفراوی و یرقان و بی‌خوابی‌های مداوم و پریشانی خیال و باز کردن مجاری بسته شده طحال، کبد و ادرار، بسیار مؤثر می‌دانسته‌اند و معتقد بوده‌اند که وقتی کاهو را خوب بجوند و پیش از غذا بخورند، در اثر تولید فعل و انفعالات شیمیایی، معده و روده را تحریک و به هضم غذا کمک می‌کند؛ چون کاهو پر از الیاف و مواد قابل هضم و مغذی است و خیلی زود در بدن جذب می‌شود.

به این ترتیب می‌بینیم که منابع فرهنگی چیستان‌های فارسی، چگونه در قالب گفتار و ادب عوام، تداوم یافته و حفظ شده و با توجه به شرایط زندگانی و تقویم حیات آدمیان با فرهنگ غیرشفاهی ما سازگاری و پیوند یافته‌اند؛ و این، به پویایی و اصالت پندار و کردار عمومی مردم ما بستگی داشته است و نه به بند و بست‌های فرهنگی محدودکننده گروه خاصی از جامعه انسانی ما.

جمع‌بندی

رسانه‌ها یکی از نهادهای ضروری جامعه محسوب می‌شوند و بر طرز فکر و نگرش ما تأثیر بسزایی دارند. رسانه‌ها به بازسازی فرهنگ، افکار و عقاید

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۳۷

موجود در جامعه می‌پردازند و به آنها استحکام می‌بخشند. آنها شرط اساسی شکل‌گرفتن شیوه‌های رفتار یا کردار نیز هستند؛ زیرا رسانه از طریق پیام‌های خود بر فرهنگ و تفکر ما تأثیر می‌گذارد و به آن شکل می‌دهد. همچنین رسانه‌ها می‌توانند به بازتولید و حتی اشاعه عناصر فرهنگی بپردازند. از این منظر، موضوعات مختلفی در زمینه میراث به‌جا مانده از فرهنگ کشورمان را می‌توان از رسانه رادیو انعکاس داد؛ طبق این بررسی، در خصوص مقوله ادبیات شفاهی، ژانر «چیستان» قابلیت مناسبی برای برنامه‌سازی رادیویی دارد و این ژانر را می‌توان در قالب‌های مختلف برنامه‌سازی تهیه و از رسانه رادیو برای عامه مردم پخش کرد.



منابع

الف) کتاب

۱. خجسته، حسن (۱۳۸۴) تأملاتی جامعه‌شناختی درباره رادیو، تهران: طرح آینده.
۲. رشیدپور، ابراهیم (۱۳۵۴) آئینه‌های جیبی آقای مک‌لوهان، تهران: سروش.
۳. رضایی، عادل (۱۳۸۶) واژه‌نامه برنامه‌سازی رادیویی، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۴. صادقی، عادل (۱۳۸۶) واژه‌نامه برنامه‌سازی رادیویی، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۵. فارکند، دیوید (۱۳۸۱) راهبردهای برنامه‌سازی برای رادیو در آینده، ترجمه مینو نیکو، تهران: تحقیق و توسعه صدا.
۶. کازنو، ژان (۱۳۶۴) قدرت تلویزیون، ترجمه دکتر علی اسدی، تهران: امیرکبیر.
۷. کرایسل، اندرو (۱۳۸۱) درک رادیو، ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا.
۸. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵) وسایل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۰) چیستان؛ مقبول دیروز، مغفول امروز، تهران: انتشارات سروش.

ب) مقاله

۱. دیفلور، دنیس (۱۳۷۸) «فهم ارتباطات جمعی»، ترجمه ناهید کاتبی، فصلنامه پژوهش و سنجش، ش ۱۹ و ۲۰.

چیستان و کاربردهای آن در برنامه‌سازی رادیویی ❖ ۲۳۹

۲. صوفی‌زاده، اسدالله (۱۹۹۳/۱۳۷۳) «چیستان و خصوصیت‌های آن»، نشریه مردم‌گیا (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان)، س ۱، ش ۱.
۳. هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۸) «بازنمایی فریضه نماز در چیستان‌های عامه»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ش ۱۶.

ج) تارنمای مجازی

وبلاگ وایقان مشاهده شده در ۱۳۹۱/۹/۲۵:

<http://vaghan-shabestar.blogfa.com>

فرهنگیاران واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات

توگلی، عبدالرضا، چنار، خمین، مرکزی، ۱۳۶۳

خزروان، بهمنیار، سمیرم علیا، اصفهان، ۱۳۶۳

رضایی، سیفور، فراموشجان، داران، اصفهان، ۱۳۷۰

زرتابی، مجید، نجف‌آباد، اصفهان، ۱۳۶۸

علی‌پور، حسین، خورموج، بوشهر، ۱۳۶۳

ملّاعالی، غلامرضا، لارستان، فارس، ۱۳۶۳

میری‌پور، میرمصطفی، تهران، ۱۳۸۵



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی